

## داستان های فلکلوریک شغنان

### شیخ پرنده

نوشته: وحیدالله غالب



۲۶ قوس ۱۳۹۱

شیخ پرنده یکی از خدمت گاران خواجه سالار یا شاه سالار بوده که در چاسنود (خرنود) آستان شغنان ولایت بدخشان زندگی میکرد. او خودش نیز با خواجه سالار از کدام جای دیگری به شغنان آمده است و سالهای عمرش را در خدمت خوجه سالار و مردم قریه چاسنود آستان شغنان سپری کرده است. روایت است که در چاسنود آسیابی مربوط به شیخ پرنده بوده و برای مسکینان آرد میداد و خدمت مردم را میکرد. هر کسی که در خانه خود چیزی برای خوردن نمی داشت ، بنزد وی می رفت و ایشان بدون بها و قرض به آنها آرد میداد.

میگویند که روزی يك زن بخاطر آرد نزد شیخ می آمد و در همان لحظه کدام کار ضروری برای شیخ پرنده پیش آمد و برای زن گفت که نمی توانند دوباره به آسیاب برگردد. اما زن با آوردن دلایل که گویا اولادهایش چندین روز است که نان نخورده اند و روزگارش به تلخی میگذرد. شیخ پرنده که خودش بخاطر کار ضروری ای که پیش آمده بود به آسیاب رفته نمی تواند و کلید آسیابش را به زن میدهد و او را نصیحت میکند، وقتیکه آرد مورد ضرورت خود را گرفت باید بدون معطلی از آسیاب بیرون شود و داخل انباره آسیاب (دورڈ) را نبیند. مگر وقتیکه که زن به آسیاب میرسد و کلید آسیاب را در دستش میبیند شیطان به دلش وسوسه میکند که باید در داخل انباره آسیاب ببیند که چقدر گندم در آنجا است و این چه تلمسی است که هر کس از این آسیاب آرد میبرد هیچ خلاص نمیشود. زن با این وسوسه داخل آسیاب میگذرد که میبیند آسیاب در حالت چرخش است و آرد در

ذخیره گاه آرد (تقونگ) در حالت ریختن است. این زن قبل از اینکه آرد مورد ضرورت خویش را از تقونگ بگیرد در داخل انباره (دورڈ) نگاه میکند که در داخل آن هیچ ذخیره ای از گندم وجود ندارد و بجز از يك کبوترسبز رنگ. زن حیرت می ماند که گندم از تاتچک (سوراخ خزینه گاه گندم در آسیاب که گندم از آنجا به سوراخ سنگ آسیاب میریزد) در غهرڈ (سوراخ سنگ آسیاب) میریزد و آرد در تقونگ. زن حیرت زده در حالیکه آرد مورد ضرورت خود را از تقونگ میگیرد که ناگهان کبوترسبز رنگ از داخل دورڈ آسیاب می پرد و آرد نیز از داخل تقونگ ناپدید میگردد. این زن با دستان خالی به خانه اش بر میگردد و برای همه از این واقعه حکایت میکند. بالاخره کار آسیاب داری هم خاتمه می یابد و از آن به بعد شیخ پرنده هم دیگر به آسیاب بر نمی گردد و شاید این حالت بهانه ئی برای غایب شدن شیخ پرنده بوده باشد.

---

تحقیق شفاهی به همکاری استاد زلمی باشنده قریه چاسنود صورت گرفته و از علاقمندان داستانهای فلکلوریک توقع دارم تا در تصیح و غنامندی این نوشته ما را همکاری نمایند.

وحیدالله غالب